

از به او زنده شده است باز پان کرد و گشت جل جلاله خلق من ماء و افری ان فی
سده است انرا دی از ای که رفته شده است در رحم مادرش یعنی خلیج من المصلب
والتی ایست که پرونی ایان آب زمین پست بدو از میان اسپهر انما سینه که
میان دو پستان است الرایب جمع برین خون حضرت حق سبحانه و تعالی خواهد که فرزند
پیدا شود قوت شہوت مرد و زن را بر یکدیگر تا بهم جمع آیند و از پست بدو رو سینه مادر
آبی جدا شود مرد و بهم میآمیزد و در حدیث آمده است که جمل روز نطفه باشد و جمل
روز خون بسته باشد و جمل روز گوشت پاره باشد همچون گوشت خاییده بعد از آن
فروشته را حق سبحانه و تعالی بفرستد در درون شکم مادر تا چهار حکم را نوبت کرد
را که هر خواهد کرد و اجلس را که چند بنمید و روزی را که چند بخورد و نوبت که گنجینه باشد
گشت بعد از آن روح را در وی درآورد تا زنده شود و نصیب نوانست که بدانی اول
خود را که بودی و از به شدی و ولت آب گنده بود و آفت خاک پراکنده پس شکریا
که بشوی زنده چنانک گشت خدای باینده اینه علی ریحہ لقادیر بدستی که خدای
تعالی آفریدش اول بر باز کرد اندک او چه چیز نوانست یوق شیلی السلی در روزی که گشت
کردن شود کارهای نمانند حاله من قوا و لا کاصی نسس باشد مرض کا فون را چه قوی را باری
گشند و یک قول را در آن کارهای نمانند فریضات خون ناز و روزه و غسل اجابت

و غیر آن که در قیامت اینها را اشجار سازند کرده است در حدیث است که رسول گت صلی الله
عید و سلم که سر چرخست که سر که او را بجای آورد و ترکند بدو لی حق باشد ناز و روزه و غسل اجابت
و بقول دیگر که آن نمانند باشد و مکرر و حلیما ازین قبیل باشد و الله تعالی اعلم نصیب
انست که باطن را پاک سازد و از خصلمت های بدت را در قیامت بان صفت حشر شود **میت**
زاک شتر خا پس را در روز گزند **لی** کان بر صورت که کان گشند **حشر** بر خض
مردار خواهد صورت خوبی بود که ز شاره زاینان را گنده اندام نماند خمر خوردن
بود گنده **کان** سیدی کان بر وجودت غالبست **م** بر این تصویر حضرت و است
و السماء ذات الرحم و الارض ذات الصدق و بحمت آسمان با باران و بحمت
زمین با شکار و کشت و کفایه و بدخت **ان الله لبقول فضل بدستی** که توان مرانیه
حق خدایست جدا گنده است میان حق و باطل و با هو با الهول و نیست ان قرآن سخن
پهلو و سخن آدیسان **ان الله یکیلد و یکید** بدستی که ان کا فون که مکرر میکند تنوی
نماند و برنجی ساند **و اکید یکید** و من خوی کواشیاں میدم در دنیا و آخرت
چون تو ای محمد در جای کا فون نصیب دروش نیست که در یکد شتمان و جسد سدان چه کند
و حق تعالی تو کل کند و کرب است خدای انشا را ببرد و من تو کل علی الله فدر حقیقت
انرا که تو کل غریبان شود هر که **و انرا که نومی چاره** بچاره نخواهد شد **فصل الکاف**